



۲۰۱۷/۰۴/۱۴



بصیر صباح

تحقیق و جست و جو

در ادبیات فولکلور و نقل قول های مشهور

بخش نهم

باد آورد را باد می برد



مال و ثروتی که بدون رنج و زحمت به دست آید خود به خود از دست می رود، زیرا سعی و تلاشی در تحصیل آن بکار نرفته تا قدر و قیمت آن بر صاحب مال و مکنت معلوم افتد. مال و ثروت باد آورده چون به دیگری تعلق دارد، همیشه دستخوش باد حوادث است و صاحبش هر آئینه از آن طرفی نخواهد بست. بیهوده نیست که در ممالک راقیه و پیشرفته، ثروتمندان واقع بین، فرزندان شان را مجبور می کنند که به هنگام تحصیل علم و دانش، ساعات فراغت را شخصاً کار کنند و به مال و منال پدر خوشدل و دلگرم نباشند. چه فرزندی که در عنفوان جوانی کار کند قطعاً احساس رنج و زحمت می کند و پس از مرگ پدر ثروت موروثی را به دست تطاول و اسراف نمی سپارد.

اکنون به ریشه تاریخی ضرب المثل بالا می پردازیم:

خسرو پرویز از پادشاهان مشهور سلسله ساسانی بود که لشکرکشی های عظیم و خوشگذرانی های بی حد و حصر او و درباریانش کشور را از اوج حشمت و شوکت به حضيض انقراض و نیستی کشانید. اگر چه به ظاهر یزدگرد سوم از قشون عرب شکست خورد، ولی عامل شکست و انحطاط از ندانم کاری ها و نابسامانی های عصر خسرو پرویز فراهم آمد. خسرو پرویز عاشق بی قرار زن و زر و دستدار خواسته و تجمل بود. در طول مدت سلطنت خود به قول صاحب کتاب حبيب السیر تعداد صد گنج و به عقیده سایر مؤرخان هفت گنج تدارک دید. نام های آنها به شرح زیر است:

گنج عروس، گنج بادآورد، گنج خسروی، گنج افراسیاب، گنج سوخته (یا ساخته)، گنج خضرا، و گنج شادورد که در اصطلاح عامه به هفت خم خسروی معروف است.

حکیم ابوالقاسم فردوسی، هفت گنج خسرو پرویز را در کتاب شاهنامه این طور تعریف می کند:

نخستین که بنهاد گنج عروس ز چین و ز برطاس و از هند و روس
دگر گنج باد آورش خواندند شمارش بکردند و درماندند
دگر آن که نامش همی بشنوی تو خوانی و را دیبه خسروی
دگر نامور گنج افراسیاب که کس را نبود آن بخشگی و آب
دگر گنج کش خواندی سوخته کز آن گنج بد کشور افروخته
دگر گنج کز در خوشاب بود که بالاش یک تیر پرتاب بود
که خضرا نهادند نامش ردان همان نامور کاردان بخردان

دگر آنکه بد شادورد بزرگ

که گویند رامشگران سترگ

راجع به تاریخچه گنج بادآورد که موضوع این نبشته می باشد در کتب تاریخی چنین آمده است:
«هنگامی که آریایی ها شهر اسکندریه در کشور مصر را محاصره کردند، رومیان در صدد نجات دادن ثروت شهر برآمدند و آن را در چند کشتی نهادند. اما باد مخالف وزید و سفاین را به جانب آریایی ها راند. این مال کثیر را به تیسفون فرستادند و به نام گنج باد آورد موسوم شد.»

اما به روایت دیگر که مورد تصدیق غالب مؤرخان اسلامی می باشد، نوبتی فوکاس قیصر روم، اموال بی قیاس خویش را از بیم دستبرد مخالفان در هزار کشتی (البته کشتی های شرعی آن زمان)، به سوی یکی از مواضع حصین کارتاژ فرستاد. این اموال سبک وزن و گرانبها عبارت بود از زر و گوهر و مروارید و یاقوت و دیبا های گوناگون که باد مخالف، کشتی ها را به سوی اردوی آریایی ها برد و خسرو پرویز این گنج را "گنج بادآورد" نامید و گفت:

«من بدین گنج سزاوارترم که باد این را سوی من آورده». و بارید موسیقیدان نامدار آریایی ها، آهنگ معروف گنج بادآورد را به افتخار دست یافتن به این گنج ساخته است.

می گویند دو بار اموال بی قیاسی از خزانه خسرو پرویز به سرقت رفت؛ و یکبار هم در سال ۶۲۸ میلادی بود که هرقل تیسفون را غارت کرد، که اتفاقاً همه از این گنج باد آورد بوده است و به همین مناسبت ظرفاً از باب طنز و عبرت گفتند: «باد آورد را باد می برد.» و این عبارت از آن تاریخ ضرب المثل گردیده است.

هفت خم خسروی

گنج عروس، گنج بادآورد، گنج خسروی، گنج افراسیاب، گنج سوخته (یا ساخته)، گنج خضرا و گنج شادورد که در اصطلاح عامه به هفت خم خسروی معروف است.

بعد از سیزده سال سلطنت، در گنج های خسرو پرویز، مقدار هشتصد میلیون مثقال نقود جمع شده بود که به پول امروز بالغ بر یک میلیارد فرانک طلا [در زمان اعتبار فرانک. ناشر] می شود، و البته این علاوه بر غنایم جنگی بود که بعدها نصیبش گردید. از این گذشته مقدار کثیری جواهر و جامه های گرانبها داشت که غالب آنها از عجایب روزگار بود. از طرف دیگر در حرم خویش، سه هزار زن داشت؛ غیر از زنان و دخترانی که خدمتکار و خواننده و نوازنده و رقاصه بوده اند. سه هزار خادم و هشت هزار و پنجصد مرکب سواری، من جمله اسب معروف به شبذیز و هفتصد و شصت فیل و دوازده هزار قاطر برای حمل بار و بینه و بیست هزار شتر داشت.

همچنین سرکش و بارید یا پهلبد، سر حلقه رامشگران و ترانه سازان درباری بودند و هر شب شش هزار مرد جنگی به حراست و پاسداری پرویز قیام می نمودند. چون خسرو پرویز بوی پوست های تحریر را دوست نداشت، فرمان داد که نامه ها را بر کاغذی که به گلاب و زعفران آغشته باشند بنویسند. بهترین عطر هایی که خسرو پرویز استعمال می کرد، ترکیبی از عصاره گل پارسی و شاهسپرم سمرقندی و ترنج طبری و نرگس مسکی و بنفشه و زعفران و نیلوفر و عود هندی و مشک تبتی بود که به قول "ریدک خوش آرزوک" غلام خسرو پرویز، بوی بهشت از آن استنشام می شد.

خسرو پرویز دو صد مثقال زرمشت افشار داشت، که چون موم نرم و نقش پذیر بود. دستاری بود که شاه دست را با آن پاک می کرد و هر وقت می خواستند آن را صاف و تمیز کنند در آتش می انداختند. (ظاهراً این دستار از پنبه کوهی بوده است که آتش چرک را پاک می کرد ولی آنرا نمی سوزانید)

پایان بخش نهم

ادامه دارد

قسمت اول تا هشتم این مطب را به کمک لینک های آتی مطالعه کنید"

بخش اول

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_01.pdf

[بخش دوم](#)

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۲.pdf

قسمت سوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۳.pdf

قسمت چهارم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۴.pdf

قسمت پنجم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۵.pdf

قسمت ششم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۶.pdf

قسمت هفتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۷.pdf

قسمت هشتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۸.pdf

